



تحلیلی بر شرایط رقابت در انتخابات ریاست جمهوری

سیاست ارزش یا سیاست زندگی؟

فاصله زیادی دارد و از این مساله باید درس گرفت.

اساسا نامزدی که شرایط و ضوابط و حتی تصمیم محترم شورای نگهبان به ما معرفی کرد، نامزدی نبود که در دوگانگی و دوقطبی بتواند رای بیاورد و شخصیت این شرایط را نداشت. گویا او در مناظرات سعی می‌کرد کلاس درس را اداره کند و من فکر می‌کنم مردم به اندازه کافی از کلاس‌های ما در مدرسه خسته بودند.

نکته مهم دیگر این است که بدون اینکه بخواهیم در حق اشخاص، ناحقی و بی‌انصافی کنیم، باید ساختار و قوانین حامی نهاد مقدس شورای نگهبان را مفصلا در دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها مورد بحث قرار دهیم و آنجا که می‌شود در قالب ظرفیت قانون اساسی و سیاست‌های کلی و آنجا که نمی‌شود در قالب طرح‌هایی برای تغییر و ارتقای قانون اساسی، زمینه شکل‌گیری انتخابات با کیفیت کم را کاهش دهیم. نباید اجازه داد بی‌خاصیت‌ها یا بدخاصیت‌ها عرض اندام کنند و انتخابات به بازی سیاسی و دستاویز افراد یا شخصیت‌های سیاسی تبدیل شود. کسانی که خودشان هم باور نمی‌کردند تأیید شوند و برای تست تأیید به صحنه می‌ایند، حتما می‌توانند در خروجی این انتخابات و تصمیمات شورای نگهبان تأثیر منفی بگذارند. فکر نمی‌کنم در هیچ نظام پیشرفته سیاسی و هیچ سیستم مجرب سیاسی در دنیا درباره کاندیداتوری و نامزدی، اینقدر ما با ولنگاری حقوقی مواجه باشیم.

نکته دیگر این است که غیر از اینکه برنامه‌های بسیار خوب و طرح‌های بسیار خوب از جمله در حوزه مسکن، ازدواج جوانان، مهار تورم، صادرات و تقویت بلوک‌های منطقه‌ای و بین‌المللی جدید برای تقویت زیرساخت مقاومت در مقابل نظام استکبار و نظام سرمایه‌داری اهمیت دارد ولی باید بپذیریم افراط نیروهای افراطی و عدم تعیین تکلیف نهایی با این نیروها و برنامه‌ها و راه‌حل‌های ناقص آنها، حتما در مساله عدم توفیق جریان تداوم دولت مرحوم رئیسی نقش داشت.

به عبارتی ما شاهد یک شرایط رای سلبی بسیار بالایی بودیم، ما در شرایط دور اول ۶۰ درصد رای سلبی و اعتراضی داشتیم اما در دور دوم نیازمند یک رای ایجابی بودیم که بتواند امید را به زندگی و زندگی را به امید وصل کند.

در واقع یک نامزد، نماینده جریان امید بود و یک نامزد نماینده جریان زندگی. به طور مشخص می‌توان سیاست اول و رویکرد سیاستی آقای جلیلی را سیاست ارزش نام نهاد و جریان آقای پزشکیان را سیاست زندگی که تعبیر معروفی در فلسفه سیاسی پسامدرن است.

جریان زندگی حتی در دور دوم رای ایجابی نیاز داشت اما رای ایجابی وجود نداشت. در حالی که جریان امیدگرا رای ایجابی می‌داد. ما در آینده بیشتر نیازمند رای ایجابی هستیم تا بتوانیم این دو ضرورت را که در کشور ما دوگانه می‌شوند و قطبیدگی پیدا می‌کنند و سوگمندانه در مقابل هم قرار می‌گیرند، تدبیر کنیم؛ یعنی جریان امید مبتنی بر ایدئولوژی و جریان زندگی مبتنی بر راه شهری. سیاست زندگی اساسا ماهیت و فلسفه وجودی دولت را تأمین زندگی می‌داند. هوادار این جریان می‌گوید اگر با زندگی من در بیفتی من با همه ایدئولوژی تو در می‌افتم. این متاسفانه بسیار مهم است که در رتوریک و برنامه و مخصوصا سیاست اجتماعی دولت آقای رئیسی آیا موفق شدیم سلام به زندگی و دریچه جدیدی را به زندگی باز کنیم؟ یا نیروهای اقتدارگرا که به دلایل مختلف در دولت آقای رئیسی با آنها مماشات می‌شد و حتی مناصب مهمی در اختیار آنها قرار گرفته بود، مانع یک آشتی فرهنگی در جامعه می‌شدند و می‌شوند؟

جریان وفادار به انقلاب اسلامی به جناب آقای

سیدمجید امامی: بنده ۵ نکته را

به اختصار در باب شرایط حاکم بر انتخابات عرض خواهم کرد و در ادامه به تفصیل درباره آنها بحث می‌کنم.

اولا شاگرد مهم‌ترین نعمت این انتخابات باشیم که دشمن شاد نماند و نصاب ۵۰ درصدی نهادهای انتخابی و رکن جمهوریت نظام تکرار شد. با صد هزار بیان و نشان، باید از این موفقیت نظام سرود. ثانیاً عبرت بگیریم از روش و منش برنده و نقش و ظرفیت بازنده این رقابت ساده و گمنسل فرهنگی موجود در کشور. تندرورها به خود بیایند و دست از سر فرهنگ و سیاست این کشور بردارند. ثالثا در عین التزام و تقویت اصول مردم‌سالاری دینی عزیزمان ما باید در مورد شورای نگهبان بحث کنیم و نظم بنیادین (حقوق اساسی) انتخابات و نارسایی‌هایی که آرایش طبیعی سیاسی کشور را به این ورطه کشاندا!

رابعاً، در گیر حاشیه نشویم، متن این واقعه را ببینیم، حزب‌اللهی‌ای که درک توحیدی نخواهد و نداند، یک باد سیاسی بیش نیست، امتیاز ما، درک توحیدی از همه ماخلق‌الله است، درک سیستمی از نتایج اعمال. من که این نتیجه را صددرصد نقشه خدا می‌دانم برای آینده شدن، اجتماعی‌تر شدن (به جای نظامی یا دولتی شدن)، بازاندیشی در زبان و نحوه اتصال به جامعه و البته امتحان در این مجال. خامسا، فاصله رئیسی تا پزشکیان امروز محسوس‌تر از همیشه، به رخ ما کشانده شد، این فاصله را باید در انتصاب برخی ظاهرا انقلابی‌ها و تندرورهای دولت فعلی و لکنت رسانه‌ای فوق پیشرفته بدنه وفاداران جست. با این بی‌تدبیری‌های اقربا و ارحام انقلابی که خود نیز در ۳ سال گذشته زخمی و افسرده آن هستیم، افسوس می‌خورم که نمی‌توانم وفادار انقلاب اسلامی نباشم، چرا که با آن عهد جان بستام اما خار در چشم و استخوان در گلو باید به این تقدیر تن داد، رشد کرد و حرکت به سوی قله را ادامه داد. فرصت ۴ ساله آتی را در بازسازی تشکیلاتی و مدیریتی جدی بگیریم، با هیاهوی فرهنگی و وندالیسم سیاسی، می‌توان خراب کرد (که چه خوب، صحنه‌گردانان نمایش اخیر کردند) اما نمی‌توان ساخت. شاید جوان‌گرایی در هدایت آینده را باید از درون شروع می‌کردیم، نکردیم و چویش را خوردیم، البته منظورم پاچوش‌ها نیست، سروهای اصیل را دریابید.

اما در تفصیل مطلب باید گفت نخستین نکته و دستاورد انتخابات، مشارکت ۵۰ درصدی است. آن هم در شرایطی که انتخابات زودهنگام برگزار شد و از این‌ حیث برنامه‌های دولت مستقر تحقق نیافته بود و مردم طعم انتخاب قبلی خود را به‌طور واقعی نچشیده بودند. شاید در کشورها و جوامع دیگر اگر این اتفاق - انتخابات زودهنگام - می‌افتاد، مشارکت از این هم کمتر بود. خداوند انتخاب قبلی مردم را از این ملت و انقلاب اسلامی گرفت و به هر حال حادثه و ضایعه غیر قابل جبرانی رخ داد که ان‌شاءالله باید از رخداد دوباره چنین حوادثی پیشگیری کنیم. اگر همه اینها نبود، البته نتیجه انتخاب قبلی خود را می‌دیدند و طبعاً بهتر در انتخابات دوره بعد شرکت می‌کردند. باید بپذیریم در عصر نسل Z و عصر بیش‌رسانه‌ای شدن و عصر پادواقعیت یا Hyperreality و در عصری به سر می‌بریم که ویژگی‌های خود را دارد. دیگر نمی‌شود در مناظره سخنرانی داشت یا کلاس درس اداره کرد. در تبلیغات - ولو تبلیغات چهره به چهره - باید از مبادی به سمت مقاصد حرکت کرد. تورویک انتخابات و رتوریک تبلیغات یک رتوریک کاملاً عام و عامیت‌یافته و متناسب با ادراکات عمومی مردم است. آنچه مردم به عنوان مساله ادراک می‌کنند با آنچه سیاستمداران به عنوان مساله ادراک می‌کنند

گفت‌وگوی «وطن امروز» با حجت‌الاسلام رضا غلامی درباره انتخابات ریاست جمهوری

اکنون نیازمند همگرایی هستیم

رای پزشکیان قومیتی نیست، او در میان آذری‌ها محبوب است

چهاردهمین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری به پایان رسید و این دوره نیز مانند ادوار گذشته حاکی از بیم‌ها و امیدهایی برای کشور بود. تحلیل وضعیت جریان‌های سیاسی در این انتخابات و توجه به عمل سیاسی نامزدها و جریان‌ها می‌تواند برای آینده‌اشارات و انذارهای زیادی داشته باشد. برای این منظور و بررسی بیشتر وضعی که پشت سر گذاشتیم با حجت‌الاسلام رضا غلامی، مدرس فلسفه سیاسی و مطالعات فرهنگی و اجتماعی و عضو هیات علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی به گفت‌وگو نشستیم. وی معتقد است «در این دوره از انتخابات رئیس‌جمهور منتخب از رقیب خود ۳ میلیون بیشتر رای کسب کرده است و همین موضوع موجب می‌شود برخی دعواهای انتخاباتی در رسانه‌ها ادامه یابد. این دعواهای حتی اگر در مواردی به نام نقد صورت بگیرد، حتما در کار دولت اختلال ایجاد می‌کند، لذا بهتر است دولت ابتکاراتی را در زمینه برگزاری ماهانه گفت‌وگوهای جدی با منتقدان خود به خرج دهد تا برخی سوءتفاهمات در خلال گفت‌وگوها رفع شود همچنین نقاط اشتراک میان دولت و جناح رقیب به عنوان مقدمه همگرایی در برخی امور شناسایی شود. نباید فراموش کرد که امروز کشور بیش از هر زمان به همگرایی نیاز دارد.»

■ **تحلیل کلی شما از وضعیت رای‌دهی و سید رای هر نامزد چیست؟ آیا جریان انقلاب نتوانست بدنه خود را به میدان بیاورد؟**

به نظر می‌رسد جناح‌های سیاسی خیلی وقت است در فرآیند انتخاب‌های مردم کم‌تأثیرند. این وضعیت برای جناح اصلاح‌طلب پررنگ‌تر است. افرادی که در گذشته گرایشات پررنگی به جناح اصلاح‌طلب داشتند، این مرتبه چندان به فراخوان صریح و چندباره رهبران اصلاح‌طلب توجه نکردند و برای رای دادن به نامزد اصلاح‌طلبان پای صندوق رای نیامدند. شاید رهبران اصلاح‌طلب این حد از عدم استقبال را که البته در نظر سنجی‌ها مشخص شده بود باور نمی‌کردند. در جناح اصولگرا کمی از جعت آوردن طرفداران خود به میدان، شرایط بهتر است، یعنی توانستند افراد متمایل به خود را با بهره‌گیری از تقسیم میدان انتخابات به دو جبهه حق و باطل، به صورت حداکثری به میدان بیاورند. البته من چنین جبهه‌بندی‌هایی را به هیچ وجه قبول ندارم اما اصولگرایان متاسفانه از این ترفند همواره استفاده می‌کنند. از سوی دیگر، نباید از نظر دور داشت که جریان اصولگرا مدتی است از فقدان رهبری پرنفوذ و مورد احترام همه، رنج می‌برد و نمی‌تواند ضمن اتخاذ سیاست‌های هوشمندانه، به موقع به سیاست‌های خودش عمل کند. نوعی چند پاره شدن و لجبازی با همدیگر را در جناح اصولگرا می‌توان لمس کرد. امروز اصولگراها به ۳ بخش عمده بنیادگرا، میانه‌رو و محافظه‌کار تقسیم شده‌اند و در این میان، جناح بنیادگرا که رگه‌هایی از افراط‌گرایی نیز در آن هست، از بقیه جلو افتاده است. ضمن من قبول ندارم که فقط به اصولگرایان، جریان انقلابی اطلاق شود. انقلاب را نباید جناحی کرد. عمده اصولگراها و اصلاح‌طلب‌ها انقلابی هستند اما قرانت آنها در بخشی از امور با همدیگر در تعارض است.

■ **نظر سنجی‌ها از بحران‌ی بودن وضعیت مشارکت جوانان در انتخابات حکایت می‌کند، چه تحلیلی از عدم مشارکت جوانان در انتخابات دارید؟**

سطح مشارکت در مرحله نخست انتخابات ریاست‌جمهوری خیلی پایین بود. در مرحله دوم مشارکت نزدیک به ۱۰ درصد بیشتر شد اما به سختی به ۵۰ درصد رسید. من این میزان از مشارکت را بسیار نگران‌کننده می‌دانم. معنای این حد از مشارکت این است که بخشی از مردم که در انتخابات دوره‌های قبلی شرکت می‌کردند و مشارکت را به ۷۵ و حتی ۸۰ درصد می‌رساندند، قهر سیاسی کرده‌اند. به بیان دیگر، نه فقط از عملکرد راضی نیستند بلکه امیدی هم به تغییر ندارند. حتی بخشی از ۱۰ درصدی که در مرحله دوم انتخابات ریاست‌جمهوری اضافه بر مرحله اول شرکت کردند، شاید دلیل‌شان بندرت شدن اوضاع بود. در دوران

ریاست‌جمهوری جناب آقای روحانی نارضایتی‌ها به اوج رسید و در دولت بعدی هم نه تنها بخش مهمی از نارضایتی‌ها کم نشد، بلکه برخی رفتارها مانند قضیه مهسا امینی و مسائل بعد آن ظهور کرد که ضرر آن برای دولت سیزدهم سنگین بود. این پیام کلی‌ای است که می‌توان از پایین بودن مشارکت در چند انتخابات قبلی بویژه این انتخابات استنباط کرد اما جزئیات آن قابل بحث است. قفسط این مطلب را باید بگویم که دولت چهاردهم باید هر طور شده با کناره گرفتن از جنجال‌ها که مردم نشان داده‌اند از آن خسته‌اند، سطح رضایتمندی، سطح اعتماد و درجه امید به آینده را در مردم بالا ببرد و الا استمرار روند کاهش مشارکت قطعی است.

■ **با توجه به رای بالای پزشکیان در برخی شهرها به نظر می‌رسد شکاف قومیت‌ها و اهل سنت در انتخابات جدی بود، این امر را چطور تحلیل می‌کنید؟**

من چنین برداشتی ندارم. اینکه جناب آقای پزشکیان آذری هستند و در سال‌های نمایندگی مردم تبریز نزد اکثریت آذری‌های عزیز خوش‌سابقه و محبوب بوده‌اند، موجب شد آذری‌ها با انگیزه‌های عاطفی و از سر اعتمادی که به آقای پزشکیان پیدا کرده‌اند، بیشتر به ایشان اقبال کنند. به نظر می‌رسد این اقبال را نباید لزوماً یک اقبال قومیتی توصیف کرد. البته نظام در مواجهه با برخی اقوام با مسائلی روبه‌رو است اما در این انتخابات این مسائل چندان عرض اندام نکرد. با همه اینها، من معتقدم باید در سیاست‌های قومی در ایران علناًبت بیشترتی ظهور و بروز یابد و مسائلی که پیش آمده رفع شود.

■ **گفته می‌شود مسأله مشارکت رابطه معناداری با کثر نامزدها دارد، برخی دلیل عدم مشارکت را عدم رقابت تحلیل می‌کردند، از این حیث با توجه به شکل‌گیری رقابت در این دوره، باز هم مشارکت از ۵۰ درصد فراتر نرفت، چه عواملی این مشارکت را رقم زد؟**

من با اینکه تأیید صلاحیت بر اساس مر قانون را قبول دارم، متوجه نمی‌شوم شورای نگهبان در دوره‌های اخیر، با چه منطقی تصدادی را تأیید و تعدادی را رد کرده است؟

اگر جانبداری واقعیت ندارد، شفافیتی هم در کار شورای نگهبان نیست تا ذهنیت مردم در این زمینه تصحیح شود. این تلقی جانبداری خودش عاملی مهم در کاهش مشارکت محسوب می‌شود. از طرف دیگر، ترکیب نامزدها در این دوره از انتخابات ریاست‌جمهوری متوازن نبود. به بیان دیگر، با آنکه ثبت‌نام‌ها متنوع و متنکر بود، همه طیف‌های عمده مردم ایران در میان نامزدهای تأییدشده نماینده‌اند نداشتند. شورای نگهبان باید دقت کند که یکی از رموز افزایش مشارکت مردم، وجود نماینده برای هریک از طیف‌های عمده سیاسی در میان نامزدهاست. اینکه فرمودید در این دوره رقابت بین نامزدها داغ شد، قابل تأمل است. رقابت موقعی داغ می‌شود که نامزدها هر یک صاحب اندیشه و گفتمان متمایز از هم با مجموعه‌ای از ابتکارات در زیر چتر گفتمان خود باشند. در این دوره از انتخابات، در اکثر اوقات، نه فقط حرف‌های نامزدهای محترم کلی‌گویی و تکرار حرف‌های قبیل فراتر نرفت، بلکه برخی رفتارهای نامودبانه نیز ظهور کرد. این رفتارها را بر خلاف فرهنگ اسلامی، آقای احمدی‌نژاد وارد میدان رقابت سیاسی در رسانه ملی کرد و بعد از او هم متاسفانه ادامه یافت. به

نظر می‌رسد برای مردم این رفتارها نه‌تنها جذاب نیست، بلکه برای مشارکت در انتخابات دافعه ایجاد می‌کند. الان همه باید احترام رئیس‌جمهور و دولت ایشان را حفظ کنند و از انتقادات نامودبانه مشتعل بر اتهام‌زنی‌های بی‌اساس یا نفرت‌پراکنی پرهیز کنند. متقابلاً توقع می‌رود رئیس‌جمهور گرامی و پارانش نیز در برابر منتقدان از خودشان سعه صدر بیشتری نشان دهند. در این دوره از انتخابات رئیس‌جمهور منتخب از رقیب خود حدوداً ۳ میلیون بیشتر رای کسب کرده است و همین امر موجب می‌شود برخی دعواهای انتخاباتی در رسانه‌ها ادامه یابد. این دعواهای حتی اگر در مواردی به نام نقد صورت بگیرد، حتما در کار دولت اختلال ایجاد می‌کند لذا بهتر است دولت ابتکاراتی را در زمینه برگزاری ماهانه گفت‌وگوهای جدی با منتقدان خود به خرج دهد تا برخی سوءتفاهمات در خلال گفت‌وگوها رفع شود همچنین نقاط اشتراک میان دولت و جناح رقیب به عنوان مقدمه همگرایی در برخی امور، شناسایی شود. نباید فراموش کرد که امروز کشور بیش از هر زمان به همگرایی نیازمند است.



✽ عضو هیات علمی دانشگاه امام صادق (ع)